

نویسنده مسوول: عبداللطیف خالديک
تاریخ دریافت: ۲۵/۷/۱۴۰۴
تاریخ قبول: ۲۰/۹/۱۴۰۴
تاریخ نشر: ۳۰/۱۱/۱۴۰۴

ژورنال بین المللی فرهنگ پوهنتون تخار

Research Article



بررسی واژه‌بست‌های زبان اوزبیک

پوهنمل عبداللطیف خالديک

عضو کادر علمی دیپارتمنت زبان و ادبیات اوزبیک پوهنتون تخار

ایمیل: latifkhaleedbek@gmail.com

چکیده

دامنه مطالعات زبان‌شناختی، نشان دهنده این است که در تمام زبان‌های دنیا واحدی زبانی وابسته‌ای وجود دارد که از لحاظ رفتار دستوری نه واژه است و نه وند. این واحد زبانی هم برخی خصوصیات واژه را دارا می‌باشد و هم برخی خصوصیات تکواژهای وابسته را. اما به لحاظ صرفی یک واژه به حساب نمی‌آید. بیشترین زبان‌های دنیا دارای واژه‌بست می‌باشند که ویژه‌گی‌های منحصر به فرد خود را دارند و معمولاً در دسته واژگان دستوری مانند حروف اضافه، حروف ربط، حروف تعریف قرار می‌گیرند که می‌توان آن را به عنوان فرایند وابسته‌گی به یک واژه واژگانی تعریف کرد. اهمیت تحقیق از اهمیتی بالای برخوردار است. زیرا این واحدهای زبانی نقش کلیدی در درک ساختار واژگان جمله زبان‌ها دارند و نیز به زبان‌شناسان و زبان‌آموزان کمک میکند تا مرز میان واژه مستقل، وند و واژه‌بست را بهتر تشخیص دهند. این تحقیق با استفاده از آزمون صرفی، نحوی، معنایی با هدف بررسی واژه‌بست‌های زبان اوزبیک پرداخته است. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد، واژه‌بست‌ها در زبان اوزبیک طبقات دستوری مختلفی مانند ضمائر متصل، افعال ربطی، منادا و علامت مفعولی را تشکیل می‌دهند که می‌توانند به واژه‌های میزبان متفاوتی اضافه شوند که از نظر نحوی به طبقه‌های دستوری متفاوتی تعلق دارند. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده که داده‌های آن از منابع متعدد جمع‌آوری شده است. قابل یادآوری است که قضاوت در باره دستوری/نادستوری بودن شواهد زبانی، نگارنده بر شم زبانی خود و داوری چند گویشور دیگر تکیه کرده است. واژه‌های کلیدی: اشتقاق، تصریف، زبان اوزبیک، ساخت‌واژه، مورفیم و واژه‌بست.

Investigating of Clitics in Uzbek Language

Abstract

The scope of linguistic studies indicates that in all languages of the world, there exists a dependent linguistic unit whose grammatical behavior is neither that of a word nor that of an affix. This grammatical behavior challenges the traditional classification of morphemes into two types: free and bound. This unit shares certain characteristics with words and others with bound morphemes, yet it is not considered a full word morphologically. Clitics are morphemes that do not possess meaning or function independently. When attached to another word (the host), they exhibit distinct phonological, morphological, syntactic, and semantic features. Most of the world's languages contain clitics with unique properties, usually found among functional word classes such as prepositions, conjunctions, and articles. Clitics can be defined as a process of attachment to a lexical word.

This research, using morphological, syntactic, and semantic tests, investigates clitics in the Uzbek language. The findings indicate that Uzbek language clitics belong to various grammatical categories such as attached pronouns, copular verbs, vocatives, and accusative markers. These

clitics can attach to different host words belonging to various syntactic categories. The present study was conducted using a descriptive-analytical method, with data collected from various sources. It is worth noting that the judgments on the grammaticality or ungrammaticality of linguistic data were based on the author's linguistic intuition and the evaluations of several native speakers.

Keywords: derivation, inflection, Uzbek language, word formation, morpheme, clitic.

مقدمه

زبان یکی از اساسی‌ترین نعمت‌های الهی و مهم‌ترین ابزار ارتباط میان انسان‌هاست که الله متعال بوسیله این زبان انسان‌ها را اشرف المخلوقات خود قرار داده است. انسان به وسیله زبان می‌تواند اندیشه‌ها، احساسات، علم و تجربه‌های خود را به دیگران منتقل کند. بدون زبان، ارتباط اجتماعی، آموزش و انتقال فرهنگ امکان‌پذیر نیست. زبان نقش مهمی در تفکر و تعقل دارد؛ زیرا انسان با زبان می‌اندیشد، تحلیل می‌کند و مفاهیم را درک می‌نماید. همچنین زبان ابزار اصلی آموزش و یادگیری در جوامع انسانی است. از دیدگاه دینی، زبان وسیله‌ای برای هدایت، دعوت به نیکی و بیان حق است و در عین حال انسان در برابر گفتار خود مسئول است. استفاده درست از زبان می‌تواند سبب رشد فرد و جامعه شود و استفاده نادرست از آن می‌تواند آسیب‌زا باشد. زبان پایه ارتباط، تفکر، فرهنگ و تمدن انسانی است و حفظ و به‌کارگیری درست آن نقش مهمی در پیشرفت انسان و جامعه دارد. بنابراین، زبان از دیدگاه قرآن کریم جایگاهی بسیار والا و اساسی دارد، زیرا مهم‌ترین ابزار تفکر، تعلیم، هدایت و ارتباط انسان‌ها به شمار می‌رود. قرآن کریم نه تنها زبان را وسیله‌ای برای انتقال معنا می‌داند، بلکه آن را نشانه‌ای از قدرت و حکمت الهی معرفی می‌کند. همان طوری که الله متعال در کتاب مقدس خود تعدد زبان‌ها را از نشانه‌های خود می‌داند:

«وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ» {}

چنانچه صاحب تفسیر قرطبی می‌گوید: منظور از اختلاف زبان این است که تکلم و فهم مفاهیم به زبان‌های مختلف صورت می‌گیرد، مثلاً زبان عربی، عجمی، ترکی و رومی. در مورد اختلاف زبان‌ها نطفه، پدر و مادر و کدام شخص دیگری اصلاً دخیل نیست؛ بناء فقط و فقط کار الله متعال است (قرطبی، 1384 ه.ق.).

از تفسیر این آیه چنین معلوم می‌شود که تحقیق درباره زبان‌ها، تسلط بر ساختار و تفاوت‌های زبانی، در حقیقت شناخت یکی از نشانه‌های الهی است. این آیه اهمیت شناخت زبان را در فهم پیام الهی و انتقال صحیح آن نشان می‌دهد. تحقیق زبانی کمک می‌کند تا معانی قرآن دقیق‌تر فهمیده شود و از برداشت‌های نادرست جلوگیری گردد. از دیدگاه قرآن کریم، زبان نعمتی الهی، نشانه‌ای از قدرت خداوند، ابزار فهم وحی، وسیله اندیشه و عامل هدایت بشر است. بنابراین تحقیق درباره زبان نه تنها یک فعالیت علمی، بلکه راهی برای شناخت بهتر خدا، قرآن و انسان محسوب می‌شود. در احادیث پیامبر گرامی اسلام ﷺ، زبان جایگاهی بسیار حساس و سرنوشت‌ساز دارد و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای هدایت یا گمراهی انسان معرفی شده است. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ لِيَصْمُتْ [صحیح البخاری، ج 5، 2272].

ترجمه: هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، سخن نیک بگوید یا سکوت کند. از دیدگاه پیامبر گرامی اسلام ﷺ، زبان نعمتی بزرگ و در عین حال امانتی الهی است. کنترل زبان، گفتار نیک و پرهیز از سخنان نادرست، نقش اساسی در نجات انسان، سلامت جامعه و تقویت ایمان دارد. بنابراین، ضرورت است روی دستور و گرامر هر زبان تحقیق شود تا نقاط پنهان آن پیدا و در خدمت عالمیان قرارگیرد.

بیان مسأله

یکی از بحث‌برانگیزترین و جالب‌ترین مباحث زبان‌شناسی، درک کامل ویژگی‌ها، کارکردها و ساختارهای واژه‌بست است که با استفاده از شاخه‌های زبان‌شناسی مانند آواشناسی، واژه‌شناسی، نحو و معنی‌شناسی صورت می‌گیرد. شناسایی واژه‌بست‌ها پیچیده‌گی‌های خود را دارد، اما تحلیل‌های دقیق در مورد عملکرد و ساختار قواعد بنیادی زبان می‌تواند از این پیچیده‌گی بکاهد.

مطالعات زبان‌شناختی مختلفی که در حوزه‌های صرف و نحو انجام شده است، نشان می‌دهد تقریباً در تمام زبان‌های دنیا واحدهای وابسته‌ای وجود دارد که رفتاری میان واژه و تکواژ دارد. مطالعات ساختواژی انجام شده نشان می‌دهد، این واحدهای زبانی هم برخی خصوصیات واژه را دارا می‌باشند و هم برخی خصوصیات تکواژهای وابسته، اما به لحاظ صرفی یک واژه به حساب نمی‌آیند. این واحدهای بینابینی را واژه بست می‌نامند (صراحی و علی نژاد، ۱۳۹۲، ص. ۲). معادل انگلیسی واژه‌بست (Clitic) از زبان یونانی به معنای تکیه دادن گرفته شده است. کریستال (۲۰۰۸) واژه بست را اصطلاحی می‌داند که در دستور برای اشاره به صورتی به کار برده می‌شود که شبیه یک واژه است، اما نمی‌تواند به تنهایی و به صورت مستقل در یک پاره‌گفتار طبیعی به کار رود و از نظر آوایی به واژه مجاور یا میزبان خود وابسته است. واژه‌بست تکواژ دستوری وابسته‌ای است که ضمن ایفای نقش دستوری در ساخت‌های بزرگتر از واژه شرکت می‌کند و از نظر آوایی با پایه خود یک واژه واجی می‌سازد. واژه واجی در واقع یک گروه یا ساخت نحوی است که از نظر آوایی همانند یک واژه تلفظ می‌شود اما از نظر صرفی یک واژه به شمار نمی‌آید. واژه‌بست در طبقه‌بندی‌ها نیز قرار نمی‌گیرد. زیرا وندها جزئی از ساختمان واژه محسوب می‌شوند و نمی‌توان به قرینه آنها را حذف کرد. با توجه به جایگاه اتصالشان به پایه، واژه‌بست‌ها به دو دسته پیش‌بست و پی‌بست تقسیم می‌شوند (شقایق، ۱۳۸۹، ص. ۷۴).

مورفیم‌ها که به عنوان کوچک‌ترین واحد زبان تعریف می‌شوند، از نظر ساختار و عملکرد به دو دسته؛ وابسته و مستقل تقسیم می‌شوند. مورفیم‌های وابسته به تنهایی دارایی معنا نبوده، بلکه با اتصال به مورفیم دیگر بخود معنا کسب می‌کنند. مورفیم‌های مستقل به تنهایی دارای معنای لغوی هستند. به علاوه این دو، مورفیم‌های وجود دارد که ویژگی‌های این دو را از جنبه‌های مختلف دارا می‌باشند که واژه‌بست نامیده می‌شوند. از نظر فونولوژیکی ویژگی‌های خاص خود را دارند. و از نظر مورفولوژیکی ویژگی‌های مشترکی با وندها و از نظر نحوی رفتار مشابه واژه مستقل را دارند. واژه‌بست می‌تواند به عنوان یک واژه مستقل درون یک عبارت، نقش هسته، موضوع یا توصیف‌کننده را ایفا کرده و ساختار نحوی ایجاد کند (زوئیکی ۱۹۹۴، ص. ۱۲).

واژه‌بست‌ها از بسیاری جهات ویژه‌گی منحصر به فرد خود را دارند. شناسایی و تشخیص واژه‌بست‌ها بسیار دشوار است. زیرا، ویژه‌گی‌های آنها با برخی عناصر دیگر مانند وندها، واژه و واژه‌های دستوری مشترک هستند. واژه‌بست‌ها اساساً حروف اضافی هستند یا اینکه به خودی خود یک طبقه جداگانه را تشکیل می‌دهند. آیا معیارهایی وجود دارد که بتواند برای همه زبان‌ها در تشخیص واژه‌بست‌ها از عناصری دیگر کمک کند. و چگونه می‌توان چنین معیارهایی را تعیین کرد؟ مطالعات انجام شده نشان می‌دهند که واژه‌بست‌ها ویژه‌گی‌های متفاوتی را از جنبه‌های مختلف نشان می‌دهند. بنابراین، این حالت چالش‌های را نیز به میان می‌آورد که چگونه می‌توان واژه‌بست را به گونه‌ی تعریف کرد که در همه زبان‌ها سازگار باشد.

از این رو، مطالعه واژه‌بست‌ها به دلایل متعددی از جمله تداخل ساختواژه و نحو، وجود تعاریف گوناگون (بعضی اوقات تفاوت‌های فراوانی نیز دارند)، و تفاوت ساختاری واژه‌بست‌ها در زبان‌های گوناگون همواره از پیچیده‌ترین مباحث مورد مطالعه واژه‌شناسان و متخصصین علم نحو بوده است.

مقاله حاضر می‌کوشد تحلیلی تازه از بررسی واژه‌بست‌های زبان اوزبیک را ارائه دهد. در این بررسی دو سوال اساسی مطرح می‌شود:

الف) نظر به تقسیم‌بندی واژه، زبان اوزبیک دارای واژه‌بست است یا خیر؟

ب) واژه‌بست‌های زبان اوزبیک کدام‌ها اند؟

مقاله حاضر بر مبنای آزمون صرفی نحوی زوئیکی (۱۹۷۷) با تمرکز بر ساختار زبان اوزبیک می‌کوشد تا به سوالهای تحقیق با فرضیه‌های زیر پاسخ دهد.

الف) زبان اوزبیک مانند سایر زبانهای دیگر که دارای ویژه‌گی‌های صرفی و نحوی اند، واژه‌بست وجود دارد و در ساخت‌های متفاوت ظاهر می‌شود.

ب) واژه‌بست‌ها در زبان اوزبیک طبقات دستوری مختلفی مانند ضمائر متصل، افعال ربطی، منادا و علامت مفعولی را تشکیل می‌دهند که می‌توانند به واژه‌های میزبان متفاوتی اضافه شوند که از نظر نحوی به طبقه‌های دستوری متفاوتی تعلق دارند.

براین اساس، پس از مقدمه حاضر، در بخش دوم پیشینه پژوهش را بررسی می‌کنیم. در بخش سوم مبانی نظری را که در این تحقیق به کار گرفته ایم، معرفی می‌کنیم. در بخش چهارم چگونگی تظاهر واژه‌بست را به بررسی می‌گیریم. در بخش آخر با یک نتیجه‌گیری و فهرست منابع، تحقیق را با پایان می‌رسانیم.

زبان اوزبیک

زبان اوزبیک از رده زبان‌های ترکی شرقی شمرده می‌شود که خود از شاخه‌ای از زبان‌های پیوندی متعلق به خانواده زبان‌های اورال آلتایی است و به لحاظ جغرافیایی یکی از زبان‌های موجود در آسیای میانه است که عمدتاً در اوزبیکستان، قزاقستان، تاجکستان، چین، قرغیزستان، افغانستان، ترکمنستان و ترکیه به آن تکلم می‌شود (یارقین، ۱۳۹۱، ص. ۴۷). زبان اوزبیک به دو شیوه نگارش می‌شود: در کشورهای اوزبیکستان، تاجکستان، ترکمنستان، قرغیزستان و ترکیه با الفبای لاتین، و در افغانستان با الفبای عربی نوشته می‌شود (باشقباں و رسولی، ۲۰۲۳، ص. ۶). آنچه‌آنکه زبان اوزبیک در افغانستان با رسم الخط عربی نوشته می‌شود، به دلیل ویژه‌گی‌های برجسته آوایی زبان اوزبیک، الفبای عربی نمی‌تواند تلفظ درست آوای زبان اوزبیک را مرفوع کند. بنابراین، داده‌های این تحقیق از منابع متعدد جمع‌آوری شده با الفبای آوانگاری بین‌المللی (IPA) نشان داده شده است.

پیشینه

تاریخ مطالعات واژه‌بست به دوره هلنیستی یونان برمی‌گردد. گرامرشناسان هلنیستی مانند تریفولون قرن اول قبل از میلاد) و آپولونیوس ۵ (قرن دوم میلادی) واژه‌های "بدون تأکید که به واژه دیگری متصل می‌شوند" را با اصطلاح انکلیتیکوس معرفی کرده‌اند. پس از دوره هلنیستی یونان، این اصطلاح با همان معنا در سنت گرامر لاتین نیز به کار رفته است (نوویس لا همکاران، ۱۹۹۴، ص. ۱۴۸). این دوره‌ها را می‌توان به عنوان دوره کلاسیک مطالعات واژه‌بست تعریف کرد. در این دوره، واژه‌بست‌ها تنها با ویژه‌گی‌های بدون تأکید و اتصال به واژه دیگری مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

مطالعات واژه‌بست‌ها در زبان‌شناسی نوین در اواخر قرن نوزدهم آغاز شده و در قرن بیستم به طور قابل توجهی به میان آمد. آغاز این مطالعات به زبان‌شناس سوئیسی، یعقوب واکرناگل تلمبست داده می‌شود. واکرناگل در مقاله‌یی که در سال ۱۸۹۲ تحت عنوان «قانون ترتیب کلمات زبان‌های هندو اروپایی»، نوشته است. ویژه‌گی‌های عناصر بدون تأکید که را پس از اولین کلمه تأکید شده و در موقعیت دوم در جمله قرار می‌گیرند، بررسی می‌کند. در نتیجه این تحقیق، واکرناگل متوجه می‌شود که با وجود ترتیب نسبتاً آزاد کلمات در یونانی باستان، واژه‌بست‌ها که مورفیم‌های بدون تأکید هستند، دارای جایگاه‌هایی هستند که با قوانین غیرقابل تغییر در جمله تعیین شده‌اند. در یونانی باستان، عناصر بدون تأکید، صرف نظر از طبقه‌بندی‌های مقوله‌ای، پس از اولین واژه قرار می‌گیرند. واکرناگل در تحلیل خود درباره ویژه‌گی‌های فونولوژیکی و نحوی واژه‌بست‌های در این جایگاه بحث می‌کند (اسپنسر و لوئیز، ۲۰۱۱، ص. ۳۹). نظر به این تحقیق، مشخص شده است که واژه‌بست‌ها دارای ویژه‌گی‌های مختلفی اند که در سایر طبقه‌های دستوری دیده نمی‌شوند، جدا از اینکه عناصری هستند که نه تنها بدون تأکید هستند بلکه با عناصر دیگری متصل می‌شوند. تحقیق واکرناگل علاقه زبان‌شناسان به موضوع را به میزان قابل توجه افزایش می‌دهد. به ویژه پس از نیمه دوم قرن بیستم، تحقیقات زیادی در زمینه واژه‌بست انجام شده است. می‌توان گفت، مطالعات واژه‌بست در این دوره، بر دو شاخه استوار بوده است: الف. مطالعات عمومی در مورد واژه‌بست، ب. ویژه‌گی‌های آنها در زبان‌های مختلف (نوویس، ۲۰۰۰، ص. ۳۸۹). بعد از این، بر روی مفهوم واژه‌بست و دامنه این پدیده زبان تمرکز

- 3 Hellenistic
- 4 Typho
- 5 Apollonius
- 6 Encliticus
- 7 Nevis
- 8 Jacob Wackernagel
- 9 Spencer
- 1 Luis

وسیع‌تر صورت گرفته است. اندرسون (۲۰۰۵)، اوسوالد (۱۹۹۶)، هالپرن (۱۹۹۵)، کلاوانس (۱۹۸۲)، زوئیکی (۱۹۹۷) و اسپنسر و لوئیس (۲۰۱۲) از جمله اشخاصی هستند که تحقیقات گسترده راجع به واژه‌بست انجام داده‌اند. علی‌رغم این، روی زبان‌ها و گویش‌های کوچک نیز تحقیقات انجام شده است. از آن جمله می‌توان به تیگی (۱۹۹۷) در مورد واژه‌بست‌های زبان پشتو، اشاره کرد.

گذشته از این، در بارهٔ واژه‌بست مطالعات زیادی نیز صورت گرفته است که از مهمترین آنها می‌توان از کارهای زوئیکی (۱۹۷۷)، کلاوانس (۱۹۸۵)، اندرسون (۱۹۹۲)، کاتامبا (۱۹۹۳)، زیمرلاینگ (۲۰۱۰) و آیخن‌والد (۲۰۰۳) نام برد. این مطالعات الگوهایی را برای تشخیص واژه‌بست در سایر زبان‌ها معرفی کرده‌اند. در ایران، محققان عمدتاً از آزمون‌های تشخیص واژه‌بست که در پژوهش‌های غیر ایرانی مطرح شده، استفاده کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به پژوهش‌های شقاقی (۱۳۷۴)، راسخ‌مهند (۱۳۸۶)، نغزگوی کهن (۱۳۸۹) اشاره کرد.

علیرغم تحقیقات زیادی که در بارهٔ واژه‌بست در انگلیسی، ترکی، فارسی و بیشتر زبان‌های دیگر انجام شده است، تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، تاکنون واژه‌بست‌های زبان اوزبیک مورد مطالعه قرار نگرفته است. و نیاز به انجام چنین پژوهشی به شدت احساس می‌شود. از این رو، هدف اصلی این تحقیق بررسی واژه‌بست‌های زبان اوزبیک با کمک گرفتن از معیارهای تشخیص واژه‌بست است که توسط شقاقی (۱۳۷۴) مطرح شده‌اند.

اما آنچه در بارهٔ دستور زبان اوزبیک انجام شده است می‌توان از اثر اوزبیکچه-فارسی سوزلیگی، آلتای (۱۳۸۶)، مورفولوژی زبان اوزبیک معاصر ایشانچ (۱۳۹۰)، پایان‌نامهٔ زبان اوزبیک احمدجان‌اوا (۲۰۱۱)، گرامر زبان اوزبیک چاری‌اوف و دیگران (۲۰۰۸)، گرامر زبان ترکی اوزبیک جوشکین (۲۰۱۳)، رابطه فعل و وقوع آن در نحو: مطالعه موردی ساختار گرامری زبان اویغوری الکساندر (۲۰۱۹)، گرامر نظری زبان اوزبیک نورمان اوف و محمد اوف (۲۰۰۷)، مشخصهٔ زبانی افعال ترکیبی زبان انگلیسی و اوزبیک آرزویک (۲۰۲۰)، متضادهای گرامری زبان اوزبیک معاصر خوجم‌قل اوف (۲۰۱۳)، نام برد که هیچ‌کدام این محققین روی واژه‌بست زبان اوزبیک بحث نکرده‌اند.

از تحقیقات دیگری انجام شده که به زبان اوزبیک نزدیک‌تر است می‌توان از بررسی فرایند اشتقاق در زبان ترکی آذربایجانی یوسف‌آرام (۱۳۸۷)، ساختار سببی صرفی نحوی زبان ترکی کئی (۲۰۱۳)، تحلیل واضح بین‌وندهای زبان اوزبیک و انگلیسی مارلیاساری‌اوا (۲۰۱۸) و بررسی و توصیف واژه‌بست در زبان ترکی مراغه‌یی، صراحی و دیگران (۱۳۹۷)، اشاره کرد.

خصوصیات واژه‌بست‌ها

در قلمرو مطالعات صرف و نحو، واژه‌بست یک نوع تک‌واژه وابستهٔ دستوری فاقد تکیه است که در ساخت‌های بزرگ‌تر از واژه شرکت می‌کند و از نظر آوایی با پایهٔ خود یک واژه واجی می‌سازد. واژهٔ واجی یک گروه یا ساخت نحوی است که از نظر آوایی همانند یک

1	Arderson	1
1	oswald	2
1	Halpern	3
1	Kavans	4
1	Tegey	5
1	Ktamba	6
1	Zimmerling	7
1	Akhenvald	8
1	Chariyev	9
2	Çşkun	0
2	Aexander	1
2	Mhammadov	2
2	Azobek	3
2	Xjamqulov	4
2	Key	5
2	Mliasari	6
2	Smiaty	7

واژه تلفظ می‌شود، اما از نظر صرفی، نحوی، و معنایی یک واژه به شمار نمی‌رود. واژه‌بست‌ها، همچون وندها، به میزبان نیاز دارند تا به آن بچسبند؛ ولی، برخلاف وندها، جزئی از ساختمان واژه محسوب نمی‌شوند.

واژه‌بست‌ها از این حیث تکیه نمی‌گیرند که به تکواژ قبلی خود وابسته‌اند و به وندها شباهت دارند. اما تفاوت مهم آن‌ها در این است که بر گروه‌ها اعمال می‌شوند؛ یعنی از حیث نحو و معنا وابسته به یک گروه نحوی هستند. واژه‌بست‌ها به لحاظ رفتارهای دستوری حد واسط کلمات آزاد و وندهای (تصریفی) هستند؛ به عبارت دیگر، آن‌ها از جهاتی به کلمات و از جهاتی دیگر به وندها شباهت دارند، مثلاً، قواعد نحوی بر واژه‌بست‌ها درست مانند کلمات عمل می‌کند. واژه‌بست‌ها گرچه مقید هستند، ولی نسبت به وندها آزادی عمل بیشتری دارند و می‌توانند به میزبان‌های مختلفی متصل شوند. به عبارت دیگر، واژه‌بست‌ها مانند وندها زیاد گزینشی عمل نمی‌کنند.

با وجود تعریف ساده و خصوصیات واژه‌بست که به طور عمومی در مورد واژه‌بست‌ها پذیرفته شده است، شناسایی واژه‌بست‌ها و تعیین ویژگی‌های رده‌شناختی و طبقه‌بندی گرامری آن‌ها بسیار دشوار است. در بررسی‌های انجام شده روی زبان‌های مختلف مشاهده می‌شود که نظام واژه‌بست از نظر ویژه‌گی‌های خاص و ساختاری در زبان‌های مختلف یکسان نیست. حتی در لهجه‌ها و گویش‌های یک زبان نیز متفاوت هستند. به همین دلیل، بر خلاف سایر طبقه‌های دستوری، ارائه تعریفی جهانی و معتبر برای واژه‌بست‌ها که برای تمام زبان‌ها قابل اعمال باشد، بسیار دشوار است. به‌طور کلی، در تعریف و شناسایی واژه‌بست‌ها دو رویکرد اصلی وجود دارد: الف. آوایی، ب. صرفی نحوی (هالپرن، ۱۹۹۵، ص. 5؛ اندرسون و استیفن ۲۸، ۲۰۰۳، ص. 49). بر اساس رویکرد آوایی، عناصر از نظر ظاهری ضعیف و بدون تأکید باشد واژه‌بست تعریف شده است. به عبارت دیگر، بر اساس رویکرد آوایی، واژه‌بست‌ها به‌طور طبیعی بدون تأکید و کوتاه شده هستند و در نتیجه پیوستن به یک کلمه یا عبارت تأکیددار، وجود خود را نشان می‌دهند. از نظر صرفی-نحوی، واژه‌بست‌ها به عنوان عناصری ارزیابی می‌شوند که ویژگی‌های نحوی خاص خود را دارند و موقعیت آن‌ها در ساختار نحوی خارج از قوانین عمومی نحو زبان تعیین می‌شود. بر این اساس، زوئیکی (1994) مفهوم واژه‌بست را به عنوان "اصطلاح چتر" ارزیابی کرده و تمام عناصری را که به طور کامل ویژگی واژه یا پسوند را نشان نمی‌دهند، به عنوان واژه‌بست تعریف می‌کند. آنچه از مشخصات، واژه‌بست‌ها معلوم می‌شود که واژه‌بست‌ها واحدهایی هستند که به ساختار صوتی، کلمه و جمله زبان مربوط می‌شوند. واژه‌بست‌ها از نظر ویژه‌گی‌های آوایی، صرفی و نحوی ظاهر خاص و منحصر به فرد دارند. به عبارت دیگر، برخی واژه‌بست‌ها از نظر آوایی و برخی دیگر از نظر صرفی یا نحوی قابل تشخیص هستند. به همین دلیل است زوئیکی سه آزمون تشخیص آوایی، صرفی و نحوی را بیان می‌کند.

چارچوب نظری:

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها و شواهد زبانی از منابع متعدد کتاب‌های دستور زبان اوزبیکي همچون؛ حاضرگی اوزبیک ادبی تیلی مورفولوگیکه‌سی (ایشانچ، ۱۳۹۲)، اوزبیکچه سوزلیگی (آلتای، ۱۳۸۶)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان اوزبیکي احمدجان‌اوا (۲۰۱۱)، گرامر زبان اوزبیکي چاری‌اوف و دیگران (۲۰۰۸)، گرامر زبان ترکی‌اوزبیکي جوشکین (۲۰۱۷)، رابطه فعل و وقوع آن در نحو: مطالعه موردی ساختار گرامری زبان اویغوری الکساندر (۲۰۱۹)، گرامر نظری زبان اوزبیکي نورمان‌اوف (۲۰۰۷) و محمد اوف (۲۰۰۷)، مشخصه زبانی افعال ترکیبی زبان انگلیسی و اوزبیکي آرزوییک (۲۰۲۰)، متضادهای گرامری در زبان اوزبیکي خوجم‌قل‌اوف (۲۰۱۳)، گردآوری شده است. نگارنده علاوه بر بهره‌گیری از شم زبانی خود به عنوان گویشور، از گویشوران دیگر در باره قضاوت دستوری و نادستوری بودن شواهد زبانی استفاده کرده است.

در سال‌های اخیر، برای شناخت و طبقه‌بندی واژه‌بست تلاش‌های زیادی صورت گرفته است. به عنوان مثال می‌توان به طبقه‌بندی‌های زوئیکی (۱۹۷۷ و ۱۹۸۵) کلاونس (۱۹۸۲ و ۱۹۸۵) اشاره کرد. آنان به توجه به دشوار بودن تمیز واژه‌بست از واژه‌ها و سایر تکواژهای وابسته، تعدادی آزمون و پارامترهای معرفی کرده‌اند که با استفاده از آنها می‌توان واژه‌بست‌ها را شناسایی و طبقه‌بندی کرد. تکواژهای دستوری وابسته زبان را می‌توان بر مبنای آزمون‌های زوئیکی و پولوم به چهار گروه وند اشتقاقی، وند تصریفی، واژه‌بست ساده و واژه‌بست

ویژه تقسیم کرد. اتصال واژه‌بست به پایه و حوزه عملکرد آنها را با استفاده از پارامترهای پیش‌نهادی کلاونس (۱۹۸۵) نیز میتوان تعیین کرد (شقایق، ۱۳۷۴، ص. ۱۴۴).

بنابر ادعای کلاونس (۱۹۸۵)، آنچه که باعث جدا شدن واژه‌بست‌ها از واژه‌ها یا از وندها می‌شود، این است که واژه‌بست‌ها معمولاً از نظر نحوی به گروه می‌چسبند و این گروه است که حوزه عملکرد واژه‌بست محسوب می‌شود. بنابر این دیدگاه، واژه‌بست از وند که به طبقه واژه اضافه می‌شود، متفاوت است. بنابراین، چهارگونه وندها را بر می‌شماریم:

وند اشتقاقی: نقش واژه‌سازی دارد و اغلب نوع جدیدی از کلمه را می‌سازد، یعنی مقوله کلمه را عوض می‌کند. وند اشتقاقی برای ساختن مقولات دستوری جدید از یک پایه به کار می‌رود. وندهای اسم‌ساز، صفت‌ساز، فعل‌ساز، قیدساز، اسم مصدر و غیره از نوع وندهای اشتقاقی اند (کریستال، ۲۰۰۸، ص. ۱۳۸).

وند تصریفی: نقش نحوی دارد و برای ایفای نقش معینی در ساخت های نحوی به کار می‌رود. معمولاً بیان شمار (مفرد-جمع) معرفه و نکره، زمان (گذشته، حال و آینده)، شناسه‌های فعلی، مقایسه صفت (ساده، برتر و برترین)، وجه فعل و نمود فعل و غیره بکار می‌رود (کریستال، ۲۰۰۸، ص. ۲۴۳).

واژه‌بست ساده: در محاوره یا در بعضی بافت‌های زبانی، زمانی که یک واژه از نظر واجی کوتاه می‌شود، این صورت کوتاه و بی‌تکیه به واژه مجاور متصل می‌شود و قواعد آوایی بر نحوه اتصال آن حاکم می‌شود. این تکواژ وابسته از نظر نحوی، توزیعی همسان و برابر با گونه کامل خود دارد و ارتباط معنایی و آوایی آن با گونه کامل، روشن و شفاف است (شقایق، ۱۳۷۴، ص. ۱۴۴).

واژه‌بست ویژه: همه واژه‌بست‌هایی که واژه‌بست ساده نیستند، واژه بست ویژه به شمار می‌آیند (شقایق، ۱۳۷۴، ص. ۱۴۴). چارچوب اصلی این پژوهش همان چارچوبی است که شقایق (۱۳۷۴) با پیروی از زوئیکی و پولوم (۱۹۸۳) اقتباس کرده است. نگارنده به دلیل اینکه واژه‌بست در همه زبان‌ها وجود دارد، معتقد است زبان اوزبیک نیز از این امر مستثنی نیست و آزمون‌های پیشنهادی زوئیکی و پولوم را به عنوان الگوهای شناخت واژه‌بست از وندها در زبان اوزبیک مورد استفاده قرار می‌دهد.

۱- آزمون‌های آوایی

«واژه‌بست از نظر تکیه متکی به عنصر دیگری است، اما واژه از نظر تکیه مستقل است» (شقایق، ۱۳۷۴، ص. ۱۴۶). بر اساس این آزمون، زبان اوزبیک هنگام اضافه شدن وندهای تصریفی و اشتقاقی همانند زبان فارسی عمل می‌کند. یعنی با افزودن وندهای تصریفی و اشتقاقی اغلب جایگاه تکیه تغییر می‌کند. اما به نظر می‌رسد واژه‌بست‌های زبان اوزبیک حالت متفاوت با دیگر زبان دارد و مانند وندها می‌توانند جایگاه تکیه را تغییر دهند. به مثال نگاه کنید:

(qɑ.'lɑm - قلم)

واژه مستقل و دارای تکیه است و تکیه در این کلمه بر هجای دوم واقع شده است. افزودن وندهای اشتقاقی و تصریفی موجب تغییر جایگاه تکیه می‌شود:

- (1). qɑ.lɑ'm lar qɑlam 'lar
جمع ساز قلم قلم جمع ساز
"قلم‌ها"

در مثال (۱) با اضافه شدن وند تصریفی جمع‌ساز، جایگاه تکیه از هجای دوم به هجای سوم نیز تغییر کرده است.

- (2). qɑ'lɑm +im qɑ.lɑ'm +im
ملکی قلم قلم ملکی
"قلم من"

در مثال (۲) با اضافه شدن وند ملکیت، تکیه تغییر نکرده است.

- (3). qɑ.lɑ.'mim +ni qɑ.lɑ.m +im +ni
My pens acc

“my book.”

از مثال‌های (۱)، (۲) و (۳) چنین معلوم می‌شود که هنگام اضافه شدن تکواژ وابسته (وند تصریفی و واژه‌بست) آنچه که تکیه می‌پذیرد وند است و واژه‌بست خود بی‌تکیه باقی می‌ماند.

آزمون صرفی:

واژه‌بست‌ها به وندها مخصوصاً به وند تصریفی شباهت دارند. حال آنکه از طرف دیگر مانند واژه هستند. برای تمایز آن از آزمون‌های صرفی (وابسته‌گی، جلوگیری وندافزایی، توزیع و خلاء) استفاده می‌کنیم. وندها عناصر وابسته، واژه‌ها عناصر آزاد هستند. واژه‌بست نیز وابسته بوده و به تنهایی در ساخت بکار نمی‌رود. با استفاده از وابسته‌گی، استفاده پی‌بست ضمیری «م» به عنوان هسته گروه اسمی، جمله نادرستی می‌شود. جمله (Madrasadan Keltirdim- از مدرسه آوردم) را مشاهده نمایید.

(4). im keltir madrasa dan

از 1. شخص مفرد مدرسه

”از مدرسه آوردم“

در نمونه (۴) دیده می‌شود استفاده پی‌بست ضمیری «م» در ابتدای جمله آمده و در هسته گروه اسمی نشسته است. این باعث نادرستی شدن جمله شده است.

آزمون وندافزایی

برخی وندهای تصریفی از افزودن وند جدید به پایه مانع می‌شوند. واژه‌بست نیز گاهی اوقات مانع این کار می‌شود. وند اشتقاقی «چی» را نمی‌توان بعد از برخی وندها اضافه کرد.

مثال:

بیلیم + یورت + چی + لر

اگر به واژه بیلیم یورت وند جمع ساز «لر» را بیفزاییم، دیگر نمی‌توان وند اشتقاقی «چی» اسم ساز را افزود. همه وندهای تصریفی اجازه وندافزایی را نمی‌دهند. همین‌گونه آزمون جلوگیری از وندافزایی برای تشخیص وند از واژه‌بست در زبان اوزبیک می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد، چرا که بررسی داده‌ها در این زبان نشان می‌دهد که وندها و واژه‌بست‌های افزود شده به ستاک یا پایه، از افزودن وند جدید به پایه و همچنین واژه‌بست‌افزایی جلوگیری نمی‌کنند و امکان اضافه شدن تکواژهای وابسته دیگری به وندها و واژه‌بست‌هایی که به ستاک افزوده شده اند را دارند.

وند اشتقاقی

(5). koz luk chi lik lar dan

از چشم صفت‌ساز اسم‌ساز صفت‌ساز جمع‌ساز

”از عینک فروشی‌ها“

وند تصریفی

(6). kitab lar ichi de ki ler Den

از کتاب داخل جمع‌ساز به صفت‌ساز جمع‌ساز

”از داخل کتاب بوده‌گی‌ها“

دیده می‌شود از آزمون جلوگیری از وندافزایی، برای تشخیص وندها از واژه‌بست در زبان اوزبیک نمی‌توان استفاده کرد.

توزیع: واژه‌بست در انتخاب میزبان از محدودیت کمتری برخوردار است، در حالیکه وند فقط به پایه‌های خاصی متصل می‌شود. برای نمونه، وند جمع‌ساز همیشه با پایه اسم متصل می‌شود و واژه‌بست هر میزبان دیگری انتخاب می‌کنند.

(7). Zari malim dir

زری است معلم

”زری معلم است“

(8). Hava isiq dir

است گرم هوا
 ”هوا گرم است“

در مثال های (7) و (8) بالا پی‌بست (dir) به ترتیب به مقوله‌های اسم، صفت افزوده شده است.

آزمون نحوی

قاعده‌های نحوی بر گروه یا سازه نحوی جمله عمل می‌کند. قواعد نحوی از قبیل حرکت و حذف قرینه، بر ترکیب «واژه+واژه‌بست» مانند ترکیب «واژه+ واژه» عمل می‌کند، یعنی واژه‌بست را عنصری نحوی هم ردیف واژه تلقی می‌کند. قاعده حذف به قرینه: این قاعده بر بخشی از کلمه عمل نمی‌کند و کل کلمه را می‌تواند حذف کند.

- (9). Zari Bu yer de e di amma ket Di
 زمان گذشته رف اما زمان گذشته فعل کمکی مکانی جا این زری
 ”زری اینجا بود ولی رفت“.

از جمله (۹) بالا، گروه اسمی (Zari) را از بند دوم حذف کردیم، حاصل جمله دستوری است.

- (10). uy um Va madrasa m birbirina yaqin dir
 است نزدیک باهم ملکی مدرسه و ملکی خانه
 ”خانه ام و مدرسه ام با یکدیگر نزدیک است“.

- (11). uy ? Va madras m birbirina yaqin dir
 است نزدیک باهم ملکی مدرسه و ? خانه
 ”خانه و مدرسه ام با هم نزدیک است.“

جمله (۱۱) بالا عیناً جمله (۱۰) است. از جمله (۱۱) پی‌بست (م) را حذف کردیم، جمله نادرستی حاصل می‌شود.

- (12). Zari gul lar va daraxt lar ni kes di
 زمان گذشته بریدن مفعولساز جمع ساز درخت و جمع ساز گل زری
 ”زری درخت ها و گل ها را برید“.

- (13). Zari gul ? va daraxt lar ni kes di
 زمان گذشته بریدن مفعولساز جمع ساز درخت و ? گل زری
 ”زری درخت و گل ها را برید*“.

جمله (۱۳) بالا وند تصرفی (lar) را حذف کردیم، حاصل جمله نادرستی شده است.

- (14). bu lar hamma si yosh lik va nadonlik Dan dir
 است از نادانی و صفت ساز جوان ملکی همه جمع ساز این
 ”این ها همه از جوانی و نادانی است“.

- (15). bu lar hamma si yosh ? va nadonlik Dan dir
 است از نادانی و ? جوان ملکی همه جمع ساز این
 . این ها همه از جوان و نادانی است*.

از مثال های (۱۱)، (۱۳)، (۱۵) معلوم می‌شود حذف به قرینه در این زبان وجود دارد. با حذف وندهای تصرفی و اشتقاقی جملات نادرستی شده است.

قاعده حرکت: قاعده حرکت نیز بر بخشی از واژه عمل نمی‌کند بلکه کل کلمه را می‌تواند در جمله جابجا کند. هرگاه این قاعده بتواند یکی از دو بخش یک ترکیب $x+y$ را بدون دیگری حرکت دهد، واژه است. مثال‌های ذیل را نگاه کنید.

- (16). Zari uy ga ket di
 گذشته رفت به خانه زری

”زری به خانه رفت“.

- (17). Zari ket di uy ga
به خانه گذشته رفت زری
”Zari went home“.

نمونه‌های (۱۶) و (۱۷) نشان می‌دهد که باجایابی گروه اسمی (Zari) جمله حاصل دستوری است.

- (18). kitab -ing buyerde e -di
گذشته فعل کمکی در اینجا ملکی کتاب
”کتابت در اینجا بود“.

- (19). kitab bu yerde-ing e -di
گذشته فعل کمکی ملکی در اینجا کتاب
”کتاب در اینجا بود“.

اما نمونه‌های (۱۸) و (۱۹) نشان می‌دهد که باجایابی تکواژ وابسته ملکی (ing) جمله حاصل ناستوری است.

واژه‌بست در زبان اوزبکی

زبان اوزبکی از زیرمجموعه زبان ترکی و از جمله زبان‌های پیوندی محسوب می‌شود. در زبان‌های پیوندی، برای ساخت واژه جدید پسوند به پایه کلمه افزوده می‌شود، پایه ثابت می‌ماند و واژه‌سازی با وندافزایی صورت می‌گیرد. مانند اکثر زبان‌های دنیا در زبان اوزبکی نیز واژه‌بست وجود دارد و به طور فراوان مورد استفاده گویشوران قرار می‌گیرند. تا آنجاییکه حاصل تحقیق نشان می‌دهد، واژه‌بست‌ها تکواژهای دستوری هستند که به صورت پی‌بست‌های ملکی، ضمائر شخصی، افعال ربطی، منادا، علامت، شکل کوتاه‌شده ((هم)) در پیکره این زبان قرار دارند.

ضمایر ملکی

ضمایر ملکی پی‌بست‌های هستند که به انتهای تکواژ اسمی متصل می‌شوند و بسته به بافتی که در آن قرار می‌گیرند، صورت‌های متفاوتی را از خود نشان می‌دهند.

پی‌بست ملکی اول شخص مفرد (m-m):

- (20). kitab -i m
1.شخص مفرد ملکی کتاب
”کتاب من“

- (21). Ona -m
1.شخص مفرد مادر
”مادر من“

پی‌بست دوم شخص مفرد (ng-نگ):

- (22). Qol -i ng
2.شخص مفرد ملکی دست
”دستت“

- (23). Ona ∅ -ng
2.شخص مفرد ملکی مادر
”مادرت“

پی‌بست ملکی سوم شخص مفرد (i-ای):

- (24). Ona ∅ -si
3.شخص مفرد ملکی مادر

- (25). \emptyset -i
 کتاب 3. شخص مفرد
 “مادرش”
 “کتابش”

پی‌بست ملکی اول شخص جمع (miz-میز):

- (26). \emptyset -i miz
 کتاب -ملکی
 “کتاب ما”

- (27). Ota \emptyset -miz
 پدر ملکی
 “پدر ما”

پی‌بست ملکی دوم شخص جمع (ngiz-نگیز):

- (28). Ota -n giz
 پدر ملکی
 “پدر شما”

- (29). Kitab -i ngiz
 کتاب ملکی
 “کتاب شما”

پی‌بست ملکی سوم شخص جمع (lari):

- (30). Kitab -lar i
 کتاب 3. شخص جمع
 “کتاب های شان”

داده‌های فوق وقوع ضمائر ملکی در زبان اوزبیک را به صورت واژه‌بست نشان می‌دهد. براساس آزمون آوایی، اضافه شدن وندها و واژه‌بست موجب تغییر جایگاه تکیه در واژه می‌شود. برای تشخیص واژه‌بست (پی‌بست ملکی) از دیگر تکواژهای وابسته (وندهای تصریفی و اشتقاقی)، می‌توان وندهای تصریفی جمع ((lar)) را قبل از تکواژ وابسته‌ای (پی‌بست ملکی) آورد که به آخر واژه افزوده شده‌اند. در نتیجه این کار، تکواژ وابسته (واژه‌بست) که خود دارای تکیه بود، با اضافه شدن نند تصریفی، تکیه خود را از دست خواهد داد. مانند:

- (31). Ki'tab kita'bim \implies kitab'larim
 کتاب شخص مفرد 3.
 “کتاب ما” “کتاب های ما”

در این حالت چطور فهمید که این نند تصریفی افزوده شده، به واژه‌بست یا دیگر وندها اضافه شده است؟ در جواب چنین گفت که نند تصریفی جمع ((lar))، در صورتی که به نند اشتقاقی اضافه شوند، بعد از نند تصریفی دیگر نند خواهند آمد. در صورتی که این وندها به واژه‌بست افزوده شوند، قبل از این تکواژ وابسته، نند اضافه شده ظاهر می‌شود و موجب تغییر جایگاه تکیه در واژه می‌شود. افعال ربطی

افعال ربطی در زبان اوزبیک به صورت پی‌بست بازنمایی می‌شود. این افعال به پایان اسم یا صفت افزوده می‌شوند. داده‌های جمع‌آوری شده نشان می‌دهند که صورت‌های افعال ربطی در همه صیغه‌ها، مانند شناسه‌های فعلی زبان اوزبیک به پایان واژه‌ها اضافه شده و صرف می‌شود. مثال‌های از اسم‌ها و صفت‌های که پی‌بست‌های فعل ربطی به آن اضافه شده است، قرار زیر است:

- (32). Zari -man - \emptyset

3. شخص مفرد فعل بودن- زری
 "I am Zari."
 (33). Zari -san Ø
 3. شخص مفرد فعل بودن- زری
 "you are Zari."
 (34). ogul -dir -Ø -lar
 جمع ساز- 3. شخص مفرد فعل بودن- پسر
 "اینها پسرها هستند"

مثال از صفت:

- (35). uzun -man -Ø
 1. شخص مفرد فعل بودن- دراز
 "من دراز هستم"
 (36). uzun -san -Ø
 2. شخص مفرد فعل بودن- دراز
 "تو دراز هستی"
 (37). uzun -dir -Ø -lar
 جمع ساز- 3. شخص جمع فعل بودن- دراز
 "شما دراز هستید"

صورت متفاوت افعال ربطی در زمان‌های مختلف:

- (38). Zari -dir -Ø
 3. شخص مفرد فعل بودن- زری
 "زری است"
 (39). Zari -dir -lar
 جمع ساز- فعل بودن- زری
 "زری هستند"

افعال ربطی در زبان اوزبیک از لحاظ ترتیب نحوی بلافاصله پس از اسم با صفت قرار می‌گیرند و مفهوم «بودن» را افاده می‌کند. نگارنده برای شناخت بیشتر این تکواژ و اینکه آیا می‌توان آن را در دسته‌بندی‌های پیوستی قرار داد، از آزمون نحوی قاعده حذف به قرینه کمک گرفته است. همان‌طور که گفته شد، قاعده حذف به قرینه بخشی از کلمه عمل نمی‌کند، بلکه کل یک کلمه را می‌تواند حذف کند.

با مثال نگاه کنید:

- (40). Zari doktor dir Zari Doctor va boydagh dir
 فعل بودن- مجرد و دکتر زری فعل بودن- دکتر زری
 "زری دکتر و مجرد است"

ولی در جمله که حذف به قرینه پسوند تصریفی یا اشتقاقی اتفاق می‌افتد، باعث نداشتوری شدن جمله می‌گردد. برای نمونه در ذیل نگاه کنید:

- (41). Zari gul lar va daraxt lar ni kes di
 وند گذشته بریدن مفعول ساز جمع ساز درخت و جمع ساز گل زری
 "Zari cut flowers and trees".

حالا اگر در این جمله پسوند تصریفی جمع ساز (lar) حذف به قرینه شود، دیده می‌شود که جمله نداشتوری می‌شود.

- (42). zari gul ? va daraxt lar ni kes di
وند گذشته بریدن مفعول ساز جمع ساز درخت و ؟ گل زری
زری گل و درخت ها را برید*

منادا

منادا اسم یا کلمهٔ جانشین اسم است که مورد خطاب و ندا قرار می‌گیرد. اسم در نقش منادایی در زبان اوزبیک، هم با تغییر آهنگ و تکیه و هم با نشانه‌هایی همراه است. نشانه‌های که برای منادا به کار می‌رود، به دو صورت به کلمات اضافه می‌شوند، یا به ابتدای اسم‌ها یا به انتهای واژگان افزوده می‌شوند و این منجر می‌شود که واژه‌بست‌ها در زبان اوزبیک به دو گونهٔ پیش‌بست و پی‌بست در نظر گرفته شوند. اقسام منادا با ارایهٔ نمونه‌ها در زیر آورده می‌شود:

منادا همراه با نشانهٔ پیش‌بست

- (43). AY Zari
منادا زری
”های زریع“

منادا همراه با نشانهٔ پی‌بست

- (44). Zari AY
زری منادا
”اهای زری“

نمونه‌های بالا منادا را به صورت واژه‌بست (پیش‌بست- پی‌بست) نشان می‌دهند. چون در زبان اوزبیک عنصر وابسته به آخر واژه می‌چسبید و به اول هیچ یک از کلمات، پیشوند و پیش‌واژه‌ای افزوده نمی‌شود؛ از اینرو، در زبان اوزبیک اصولاً پیشوند وجود ندارد و اگر هم گاهی دیده می‌شود، معمولاً از زبان‌های دیگر قرض گرفته است.

علامت مفعولی

مفعول، اسم یا جانشین اسم است که کار بالای آن واقع می‌شود و معنی جمله را تمام می‌کند. اسم در نقش مفعولی در زبان اوزبیک معمولاً همراه وند «نی» به صورت پی‌بست به آخر اسم افزوده می‌شود. همچنین «علامت مفعولی» می‌تواند با اتصال به یک واژه‌بست به انتهای کلمه اضافه شود. نمونه‌های از آن در زیر آورده می‌شود:

- (45). kitab -ni -ber
داد مفعولساز کتاب
”give the book.“

- (46). kitab -i -m -ni kel -tir
سببی ساز آوردن مفعول ساز 1. شخص مفرد ملکی کتاب
”bring my book by other one “

در زبان اوزبیک علاوه بر ضمائر متصل و افعال ربطی که به اسم می‌پیوندند و واژه‌بست هستند، نشانهٔ مفعولی نیز به صورت تکواژ وابسته و پی‌بست در پایان اسم ظاهر می‌شود و طبق آزمون‌های ارایه شده می‌توان به آسانی واژه‌بست بودن آن را شناسایی و از سایر تکواژهای وابسته متمایز کرد. همان‌طور که برای تشخیص واژه‌بست افعال ربطی از آزمون نحوی قاعدهٔ حذف به قرینه استفاده کردیم، برای شناسایی واژه‌بست نشانهٔ مفعولی هم از قاعدهٔ حذف به قرینه کمک خواهیم گرفت. در مثال‌های زیر نگاه کنید:

- (47). kitab -ni va qalam ni Ber
دادن مفعول ساز- قلم و مفعول ساز- کتاب
”قلم و کتاب را بدهید“

- (48). kitab va qalam -ni ber
دادن مفعول ساز- قلم و کتاب
”قلم و کتاب را بده“

آنچه از نمونه‌های (47) و (48) بالا دیده می‌شود، حذف به قرینه در دیگر وندها (تصریفی- اشتقاقی) اتفاق نمی‌افتد و در صورت بروز آن، موجب نادستوری شدن جمله می‌شود.

مناقشه

یکی از موضوعات مورد مناقشه در زبان‌شناسی، به‌ویژه در حوزه ساخت‌واژه، جایگاه و ماهیت واژه‌بست‌ها است. این بحث در زبان اوزبیک نیز ابعاد خاص خود را دارد. پرسش اصلی این است که: آیا واژه‌بست‌ها در زبان اوزبیک واحدهای مستقل واژگانی‌اند، یا صرفاً وندهای وابسته محسوب می‌شوند؟ از یک سو، برخی زبان‌شناسان واژه‌بست‌ها را به دلیل وابستگی آوایی و نحوی‌شان به واژه‌میزبان، هم‌ردیف با وندها می‌دانند. به عقیده آنان، واژه‌بست‌ها چون بدون میزبان نمی‌توانند ظاهر شوند، در واقع بخشی از همان واژه میزبان به‌شمار می‌روند و در صرف و نحو، استقلال ندارند.

در مقابل، برخی دیگر معتقد است که واژه‌بست‌ها، برخلاف وندها، دارای ویژگی‌های نحوی و معنایی مستقل هستند. در زبان اوزبیک نیز برخی واژه‌بست‌ها (مانند ضمائر متصل، فعل‌های ربطی، و نشانه‌مفعولی) رفتاری متمایز از وندها نشان می‌دهند؛ مثلاً می‌توانند به واژه‌های مختلف از طبقات گوناگون بچسبند و گاه ترتیب آن‌ها انعطاف‌پذیر است. بنابراین شواهد نشان می‌دهد که واژه‌بست‌ها نه واژه‌اند و نه صرفاً وند، بلکه جایگاهی میانه دارند.

از آنجاییکه واژه‌بست‌ها پیچیده‌ترین واحدهای زبانی‌اند که مرز میان واژه و وند را مخدوش می‌سازند، در زبان اوزبیک، وجود واحدهایی چون ضمائر پیوسته، نشانه‌های مفعولی، منادا و افعال ربطی کوتاه‌شده، زمینه‌ساز بحث‌های طولانی در باب جایگاه ساختاری و نحوی این عناصر شده است. مسأله اصلی این است که آیا واژه‌بست‌ها در زبان اوزبیک به‌عنوان واحدهای مستقل واژگانی قابل تحلیل‌اند یا باید آن‌ها را در چارچوب صرفی وندها گنجانید؟

در سنت زبان‌شناسی ساخت‌واژه، واژه‌بست‌ها بر اساس دو ویژگی اصلی تعریف می‌شوند: وابستگی آوایی به میزبان و استقلال نحوی یا معنایی نسبی. این دوگانگی باعث شده تا در طبقه‌بندی آن‌ها تردیدهایی وجود داشته باشد. در زبان اوزبیک، برای مثال، ضمیرهای پیوسته مانند "م"، "نگ" گرچه فاقد تکیه مستقل‌اند و به واژه میزبان متصل می‌شوند، اما از نظر توزیع نحوی می‌توانند جایگاه‌های مختلفی در جمله اشغال کنند؛ چیزی که در وندهای صرفی دیده نمی‌شود.

یکی از مباحث مناقشه‌برانگیز، تعریف میزبان واژه‌بست‌ها در زبان اوزبیک است. در مواردی، میزبان می‌تواند یک اسم، فعل یا حتی گروه فعلی باشد. این تنوع میزبان، از دیدگاه برخی پژوهشگران، بیانگر نوعی استقلال ساختاری واژه‌بست‌هاست. اما مخالفان بر این باورند که این عناصر فاقد تکیه و وابسته به عناصر دیگرند، پس استقلال صرفی ندارند و باید آن‌ها را در چارچوب وندهای پیوندی تحلیل کرد.

از طرف دیگر جنبه‌های این مناقشه، ترتیب و توالی واژه‌بست‌ها است. در برخی ساخت‌ها در اوزبیک، چند واژه‌بست به‌صورت پشت‌سره می‌آیند که ترتیب آن‌ها نسبتاً ثابت است، اما گاهی به دلایل معنایی یا سبکی، دچار جابه‌جایی می‌شوند. این انعطاف‌پذیری می‌تواند دلیلی بر رفتار نحوی مستقل آن‌ها باشد، ولی در عین حال، رفتار هم‌زمان صرفی-نحوی‌شان تبیینی روشن نمی‌یابد. همچنین، دیده شود آیا واژه‌بست‌ها در نظام نحوی اوزبیک جایگاه ثابتی دارند یا با جابه‌جایی در جمله، دلالت معنایی یا اطلاعاتی خاصی (مانند تأکید یا جهت‌گیری کلامی) ایجاد می‌کنند؟ این ویژگی در برخی زبان‌ها (مانند بلغاری، فارسی و رومانیایی) دیده شده و شواهد مشابهی در زبان اوزبیک نیز قابل طرح است، که به افزایش پیچیده‌گی تحلیل آن‌ها می‌انجامد.

از سوی دیگر، برخی پژوهشگران با رویکرد زایشی-گشتاری تلاش کرده‌اند واژه‌بست‌ها را در قالب هسته‌های دستوری ضعیف تحلیل کنند که در سطح نحو جایگاهی مشخص دارند و به واژه میزبان جذب می‌شوند. در مقابل، دیدگاه‌های ساخت‌واژه‌ای به پیوند آوایی آن‌ها با میزبان تمرکز دارند. این تقابل نظری، زمینه مناقشه بنیادین را فراهم کرده است.

بنابراین، واژه‌بست‌ها در زبان اوزبیکی مرز میان واژه و وند، و نیز ساختار نحوی و صرفی را به چالش می‌کشند. تحلیل دقیق آن‌ها نه تنها در فهم ساختار زبان اوزبیکی مؤثر است، بلکه می‌تواند به توسعه نظریه‌های زبان‌شناسی در حوزه‌های بین‌رشته‌ای مانند نحو-صرف، واج-نحو و دستور جهانی کمک کند.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که واژه‌بست‌ها در زبان اوزبیکی جایگاهی بین واژه‌های مستقل و وندهای وابسته دارند و عملکرد آن‌ها در حوزه نحو و صرف به گونه‌ای است که مرز سنتی میان تکواژهای آزاد و وابسته را به چالش می‌کشند. برخلاف واژه‌های مستقل که می‌توانند به تنهایی در جایگاه نحوی قرار گیرند و نیز برخلاف وندهایی که فقط به بخشی از واژه می‌چسبند، واژه‌بست‌ها در زبان اوزبیکی در سطح جمله و عبارت نحوی عمل کرده و به میزان خود می‌چسبند، بدون آنکه استقلال آوایی کامل داشته باشند. در زبان اوزبیکی، واژه‌بست‌ها اغلب در گروه‌های نحوی مختلف از جمله گروه فعلی، گروه اسمی و گروه ضمیری ظاهر می‌شوند. به‌ویژه ضمائر متصل و پسوندهای مفعولی همچون «ni» از واژه‌بست‌هایی هستند که هم نقش نحوی ایفا می‌کنند و هم به لحاظ فونولوژیک به میزان خود وابسته‌اند. این ویژگی‌ها هم‌راستا با زبان‌های ترکی دیگر از جمله ترکی استانبولی، قزاقی و قرغیزی نیز مشاهده شده، اما تفاوت‌هایی در توزیع و محدودیت‌های نحوی آن‌ها وجود دارد که زبان اوزبیکی را متمایز می‌سازد.

از نظر زبان‌شناسی زایشی و در چارچوب نظریه کمینه‌گرایی می‌توان گفت که واژه‌بست‌ها در زبان اوزبیکی از طریق حرکت نحوی یا مطابقه (Agree) با میزان خود ترکیب می‌شوند، که این فرآیند ممکن است در زبان‌های دیگر متفاوت صورت گیرد. همچنین، داده‌های این تحقیق نشان می‌دهد که برخی واژه‌بست‌ها در اوزبیکی قابلیت پیوستن به میزان‌های مختلف (افعال، اسامی، حروف اضافه) را دارند که انعطاف‌پذیری آن‌ها را از وندهای معمولی متمایز می‌کند.

با این حال، این تحقیق نیز با محدودیت‌هایی مواجه بوده است. از جمله آنکه فقط بر داده‌های نوشتاری و منابع کتابخانه‌ای تکیه شده و بررسی گویش‌های مختلف زبان اوزبیکی در افغانستان انجام نشده است. همچنین، نقش واژه‌بست‌ها در تعامل گفتاری و ساختارهای زبانی پویاتر مانند مکالمات روزمره یا زبان رسانه نیازمند بررسی‌های بیشتر می‌باشد.

در کل، بررسی واژه‌بست‌ها در زبان اوزبیکی نه تنها به شناخت بهتر ساختار این زبان کمک می‌کند، بلکه می‌تواند در مطالعات تطبیقی زبان‌های ترکی و تحلیل زبان‌شناسی همگانی نیز نقش ایفا کند. این تحقیق راه را برای تحقیقات بعدی در حوزه نحو، صرف و واج‌شناسی واژه‌بست‌ها در دیگر زبان‌های ترکی باز می‌سازد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش واژه‌بست‌های زبان اوزبیکی افغانستان براساس الگوی پیشنهادی زوئیکی و پولوم (۱۹۸۳) که توسط شقاقی (۱۳۷۴) برای تشخیص واژه‌بست‌های زبان فارسی به کار برده شده است، مورد بررسی قرار گرفت. برای انجام این کار از الگوهای آزمون‌های آوایی، صرفی و نحوی کار گرفته شد. بررسی تکواژهای واژه‌بست در زبان اوزبیکی نشان می‌دهد که واژه‌بست در این زبان کاربرد فراوان داشته و طبق داده‌های ارایه‌شده با مطابقتی که با آزمون‌های ذکرشده انجام گرفت، واژه‌بست‌های زبان اوزبیکی به صورت پی‌بست ضمائر ملکی، ضمائر شخصی متصل، افعال ربطی، منادا و نشانه مفعولی می‌باشند. بنابراین، واژه‌بست‌های زبان اوزبیکی به انتهای حوزه کاربردی خویش اضافه می‌شوند. پژوهش حاضر نیز مانند سایر تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که در مطالعات مربوط به واژه‌بست، در حقیقت نمی‌توان فقط به اصول ساختوازی تکیه کرد و پارامترهای واج‌شناختی و نحوی را نادیده گرفت. در حقیقت کاربرد قواعد و اصول واج‌شناسی و نحو است که درک بهتری از واژه‌بست را میسر می‌کند. به باور نگارنده، مهم‌ترین ارزش این تحقیق، در این است که جزء اولین کارهایی است که در زبان اوزبیکی افغانستان انجام می‌پذیرد. مهم‌ترین کاربرد تحقیق حاضر این است که از آن در دستورنویسی و تهیه و تدوین کتاب‌های آموزشی استفاده کرد، زیرا؛ اگر این گونه کتاب‌ها مبتنی بر مبانی علمی و زبان‌شناسی باشند و براساس یافته‌های جدید آن به‌روز شوند، دقت مطالب آن‌ها بیشتر می‌شود و نا هماهنگی‌های میان آن‌ها از بین می‌رود و به این ترتیب می‌تواند کمک شایانی به آموزش زبان اوزبیکی نماید.

منابع

- ایشانچ، ذک‌الله. (۱۳۹۲). مورفولوژی زبان اوزبیکی معاصر. کانادا: مطبوعه دولتی.
- آرام، یوسف. (۱۳۸۷). بررسی فرایند اشتقاق در زبان ترکی آذربایجانی، مجله پژوهش علوم انسانی، ۹(۲۴)، ص ۱۸۵.

- آلتای، نورالله. (۱۳۸۶). واژه‌نامه زبان اوزبیک، مالیزیا: انتشارات همکاری‌های جهانی.
- بخاری، محمد ابن اسماعیل. ۱۴۱۴ قمری. صحیح البخاری. طبع پنجم. بیروت. دارابن کثیر. ۵/۲۲۷۲
- راسخ مهند، محمد (۱۳۸۶)، توصیف افعال مرکب بی‌بستی و شیوه ضبط آن‌ها در فرهنگ فارسی. فرهنگ نویسی، شماره، ۱، ۲۳۶-۲۵۲.
- شقایق، ویدا. (1374). واژه‌بست چیست؟ آیا چنین مفهومی در زبان فارسی کاربرد دارد.
- شقایق، ویدا. (۱۳۸۹). مبانی صرف. تهران: سمت.
- صراحی و دیگران. (۱۳۹۷). بررسی و توصیف واژه‌بست در گویش مراغه‌ای زبان ترکی. فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی، کرمانشاه. ۶(۲۰)، ص ۴۵-۶۶.
- قرطبی، محمدابن احمد. ۱۳۸۴ قمری. الجامع لأحكام القرآن. قاهره. دارالکتب المصریه. ۱۴/۱۸
- نغزگوی کهن، مهرداد (۱۳۸۹). از واژه‌بست تا وند تصریفی: بررسی تحول تاریخی بعضی واژه‌بست‌های فارسی جدید. دستور، شماره ۶. ۷۷-۹۹.
- یارقین، محمد حلیم. (۱۳۹۲). برگ‌های از تاریخ اوزبیک‌های افغانستان. کابل: انتشارات خراسان.
- Ahmed janova, Z. (2011). Uzbek language. MA. Dissertation, University of Alishirnavayee. Tashkent.
- Aikhenvald, A. Y. (2003). Typological Parameters for the Study of Clitics, with Special Reference to Tariana. In: R. N. W. Dixon and A. Y. Aikhenvald (Eds.), Word: A Cross-Linguistic Typology (pp. 42-78). Cambridge: Cambridge University Press.
- Anderson, S. R. (1992). A-Morpheus Morphology. Cambridge: Cambridge University Press.
- Anderson, Stephen (2005). Aspects of the Theory of Clitics. Oxford: Oxford University Press.
- Anderson, Stephen R., Zwicky, Arnold M. (2003). Clitics: Overview. International Encyclopedia of Linguistics, 2nd edition (e-reference edition), (ed.) William J. Frawley, Oxford: Oxford University Press
- Bashqaban, H., & Rasooly, A. F. (2023). A look at the orthographic challenges of Afghanistan's Uzbek language. Sprin Journal of Arts, Humanities and Social Sciences, 2(11), 46–51. <https://doi.org/10.55559/sjahss.v2i11.184>.
- Choriyev, T. Safarova, N. Istamova, Sh. (2008) O`zbek Tili. Toshkent: Iqtisad-Moliya, bosmaxonasi.
- Coşkun, V. M. (2017). Özbek Türkçesi Grameri. Türk Dil Kurumu Yayınları: 752 sayı, Ankara. Dergisi Üzerine. Modern Türklük Araştırmaları Dergisi: Ankara universitesi.
- Crystal, D. (2008). A Dictionary of Linguistics and Phonetics. Sixth Edition
- Dylan Sugar .Alexander (2019). Verb-linking and Events in Syntax: The Case of Uyghur-(i)p English language and literature department
- G, Abdurahmonov. Sh, Shukurov. (1973). O'zbek tilining tarixiy grammatikasi. Oqituchi.
- Halpern, Aaron (1995). On the Placement and Morphology of Clitics. California: Center for the Study of Language and Information Publications.
- Harris, Alice C. (2002). Endoclitics and the Origins of Udi Morph syntax. Oxford: Oxford University Press.
- Hopper, P. Traugott, E. C. (1993). Grammaticalization. Cambridge: Cambridge University Press. Indogermanische forschungen 1: 333-436.
- Katamba, F. (1993). Morphology. London: Mcmillan Press LTD.
- Key, G. (2013). The Morphosyntax of the Turkish causative construction. Ph.D. dissertation, Khudaybergenova, Z. (2020). Türkiye Türkçesindeki ve Özbek Türkçesindeki Ek Eylemler

- Klavans, Judith L. (1982). *Some Problems in a Theory of Clitics*. Bloomington, IN: Indiana University Linguistics Club.
- Klavans, Judith L. (1985). *The Independence of Syntax and Phonology in Cliticization*. *Language* .pp. 95-120.
- Korkmaz, Z. (2003). *Türkiye Türkçesi Grameri (Şekil Bilgisi)*. Ankara: TDK.
- Kornfilt, J. (1996). On some copular clitics in Turkish. *ZAS Papers in Linguistics*. Vol. 6, edited by A. Alexiadou. N. Fuhrop, P. Law & S. Löhken, 96-114. Berlin: Zentrum für Allgemeine Sprachwissenschaft.
- Kornfilt, J. (1997). *Turkish. Descriptive Grammars*. London. Routledge. language.
- Lewis, G.L. (1975). *Turkish grammar*. Oxford: oxford university press.
- Marliasari, Sh. and Sumiati. (2018). A Contrastive Analysis of Suffixes between English and Uzbek Languages. *Channing: English Language Education and Literature* 3(2):
- Nuriddinova, R. S. (2008). *Özbek Tilining Tarixi Gramatikasi. (Fanidan Ma'ruza Matnlari)*. Nevai Devlet Pedagogik Enstitüsü, Özbek Filoloji Fakültesi Dergisi.
- Nevis, Joel A. (2000). *Clitics. Morphologie: ein internationales Handbuch zur Flexion und Wortbildung*, herausgegeben von Geert Booij, Christian Lehmann, Joachim Mugdan, unter Mitarbeit von Wolfgang Kesselheim und Stavros Skopeteas/*Morphology: an international handbook on inflection and word formation*, edited by Geert Booij, Christian Lehmann, Joachim Mugdan in collaboration with Wolfgang Kesselheim, Stavros Skopeteas, 1. Halbband / Volume 1, Berlin&New York: Walter de Gruyter, pp. 388-404.
- NEVIS, J. A., Joseph, B. D., Wanner, D., Zwicky, A. M. (1994). *A Bibliyography of Clitics 1892-1991*. Amsterdam: John Benjamins.
- Nurmonov, A. Mahmudov, N. (2007). *O'zbek Tilining nazariy grammatikasi* : Toshkent: Davlat bosmaxonasi. pp:502-513.
- Saifullayeva R. ve başqalar (2006). *Hozirgi Uzbek adabi tili. Uquv qullanma*. Toşkent: 2006.
- Salokhiddinov, M. Sh. (2021). *Linguistic typological of English and Uzbek language in terms*.
- Sapayev, Q. (2009). *Hozirgi Ozbek tili (morfemika. So'z yasalishi va morfologiya)*. Tshkent: Davlat Basmakhanasi.
- Spencer, Andrew, Luís, Ana R. (2012). *Clitics: An Introduction*. New York: Cambridge University Press.
- Szemerényi, O. (1996) *Introduction to Indo-European Linguistics*. Oxford: University Press.
- Tegey, H. (1977). *The Grammar of Clitics: Evidence from Pashto and Other Languages*. PhD thesis, University of Illinois.
- Wackernagel, jacob (1892). *Über ein gesetz der indogermanischen wortstellung*. Workshop. Downing College, Cambridge, UK, 30-31.11.2008. Ms.
- Zimmerling, Anton (2010). *Clitic Particles at the Typology of 2P Languages*. Ms. Particle
- Zwicky, a.m., Pullum, g. K. (1983). *Cliticisation vs. Inflection: English not*. *Language*, 59, pp. 502- 513.
- Zwicky, Arnold m. (1977). *On clitics*. Bloomington, in: Indiana university linguistics club.
- Zwicky, Arnold m. (1985). *Clitics and particles*. *Language*, vol. 61, no.2, June/1985, pp. 283-305.
- Zwicky, Arnold m. (1994). *What is a clitics? Clitics: a comprehensive bibliography*,
- Xo'jamqulov, A. (2013). *Hozirgi O`zbek Tilida Grammatik Antonimiya*. M. A thesis Alisher navoiyi nomidagi Samarqand davlat universiteti Ozbek tili ve adabiyati.